



# درویش خلیل جبران مظفری

بنیاد انجمن  
تاسیس ۱۳۹۱

مقایسه تطبیقی اشعار سه شاعر با استفاده از نظریه کیت جانسون



علی رضاحسینی



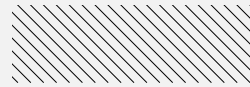
الهام بهروز



### چکیده

خود داشته باشند، بهتر مطلب ذهن شان را بیان می کنند؛ نظریه جانسون به این مبحث می پردازد که هر شاعر چه تعداد کلمات متنوع و چه تعداد کلمات تکراری به کار برده است. در این مقاله علاوه بر بررسی تکرار و تنوع واژگانی، هماهنگی بار معنایی کلمات به کار گرفته شده، با ادبیات پایداری، به صورت توصیفی تحلیلی مورد ارزیابی قرار می گیرد. جامعه آماری به طور مساوی هزار کلمه از اشعار مقاومتی هر یک از شاعران است. از نتایج تحقیق می توان گفت تنوع در دایره لغات ابوطالب مظفری بیش از دو شاعر دیگر است و کلمات حماسی در اشعار خلیل جبران بیش از بقیه به چشم می خورد. غمگین ترین شعر نیز از آن ابوطالب مظفری شاعر افغانستانی است.

شاعران متعهد بی شماری شعر را به خدمت میهن گرفته اند. در این مقاله سه شاعر متعهد که در زمینه ادبیات مقاومت شعر سروده اند، از سه کشور مختلف با هم مقایسه می شوند. مقایسه براساس نظریه زبان شناسی کیت جانسون خواهد بود. شاعران مورد بررسی محمود درویش (۱۹۴۱-۲۰۰۸م)، از فلسطین، جبران خلیل جبران (۱۸۳۳-۱۹۳۱م)، شاعر لبنانی و ابوطالب مظفری (۱۳۴۴ش/۱۹۶۵م)، شاعر معاصر و در قید حیات افغانستان هستند. هر سه کشور مورد تهاجم بیگانگان قرار گرفته و این سه شاعر به دفاع از میهن خود، اشعاری با مضامین پایداری و استقامت سروده اند. از آن جا که هر چقدر شاعران دایره لغات گسترده تری داشته و تسلط بیشتری به زبان و ادبیات کشور



## کلیدواژه‌ها: ادبیات مقاومت، جبران خلیل جبران، محمود درویش، مقدمه

یکی از روش‌های بررسی و شناخت عمیق متون نظم و نثر استفاده از علوم دیگر مثل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، آمار و... در پژوهش‌ها و بررسی‌های ادبی است، چرا که گاهی ابزار و روش‌های بررسی یک مبحث از رشته ادبیات، از منظر رشته بهتر قابل طرح است؛ زیرا «ادبیات به اقتضای ماهیت خود، که درباره زندگی و پیچیدگی و جوه گوناگون آن است، از سرشتی پذیرنده برخوردار است و این قابلیت را دارد که از دیدگاه علوم دیگر مورد بررسی قرار گیرد.» (فالر، یاکوبسن و لاج، ۱۳۶۹: ۶). یکی از این علوم که در این مقاله برای بررسی و مقایسه سه شاعر در نظر گرفته شده است، علم آمار است. «دکتر کیت جانسون استاد دپارتمنت زبان‌شناسی دانشگاه برکلی آمریکا، یکی از کسانی است که روش‌های آماری را در مطالعات سبک‌شناسی به کار برده است. او در گستره زبان‌شناسی، تحقیقات بسیاری انجام داده و چندین اثر در این زمینه دارد، از جمله «تنوع گوینده در پردازش متن» که در سال ۱۹۹۷م در سندیه‌گو به چاپ رسیده است. جانسون در کتاب دیگر خود با عنوان روش‌های کمی در زبان‌شناسی شیوه‌ای را برای مطالعات سبک‌شناسی پیشنهاد می‌کند که به نظریه جانسون معروف است که در ادامه آن را به تفصیل شرح خواهیم داد.» (بوندشهریاری و سید رضایی، ۱۳۹۳: ۴۳).

از آن‌جا که شاعر هر چقدر از نظر محفوظات ذهنی و مطالعات ادبی غنی‌تر باشد، دایره لغات گسترده‌تری خواهد داشت، نظریه جانسون بررسی می‌کند که هر شاعر چقدر کلمات متنوع و جدید به کار برده است و در نتیجه چقدر تسلط به زبان داشته است. همان‌طور که نیما درباره سبک گفته است: «هر کس به اندازه فکر خود کلمه دارد و در پی کلمه می‌گردد... شعری که فکری ندارند، تلفیقات تازه هم ندارند» (طاهباز، ۱۳۶۸: ۱۱۶). ما نیز در این تحقیق تعداد کلمات غیر تکراری هر شاعر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### پیشینه تحقیق

کمک گرفتن از نظریه‌های آماری، فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... در ادبیات قدمت زیادی ندارد. نظریه آماری تنوع کلمات جانسون هم همین‌طور است. این نظریه در آثار «سعد مصلوح، شاعر عربی، به طور وسیع به کار گرفته شده است؛ در ایران، حامد صدقی در نقد شاعران عرب از آن بهره برده است. ابراهیم اناری و احمد امیدوار نیز در دو مقاله با عنوان «رابطه سبک‌شناسی و علم آمار» و «پژوهشی در تنوع واژگان شعری» که به ترتیب در «نامه نقد» (مجموع مقالات همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران) و «فصلنامه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی» به چاپ رسیده است، درباره این روش سخن گفته‌اند.» (بوندشهریاری و سید رضایی، ۱۳۹۳: ۴۵). هم‌چنین علی اصغر بوند

شهریاری و طاهره سید رضایی در مقاله‌ای تحت عنوان «مقایسه شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالد فروغ از منظر نظریه جانسون» این نظریه را در مورد سه شاعر مورد بررسی قرار داده‌اند. شاعران مورد بررسی در مقاله حاضر تا به حال این‌گونه با هم مقایسه نشده‌اند و وجه تمایز این مقاله با اکثر مقالاتی که با نظریه جانسون کار شده است، این است که در این مقاله، آمارگیری حول محور ادبیات مقاومت انجام گرفته و توجه بیشتری به بار معنایی کلمات در ارتباط با پایداری و استقامت شده است. ضمن این‌که در این مقاله روشی جدید برای آمارگیری ارائه می‌شود.

### سؤالات تحقیق

۱. کدام شاعر دایره لغات گسترده‌تر و تنوع واژگانی بیشتری دارد؟
۲. بار معنایی کلمات کدام شاعر تناسب بیشتری با اشعار مقاومتی دارد؟
۳. جنگ و تهاجم بیگانگان چه تأثیری بر روی انتخاب کلمات شعرا گذاشته است؟

### فرضیه‌ها

۱. ابوطالب مظفری شاعر افغانستان با ۴۵۴ کلمه، متنوع در هزار کلمه بررسی شده از اشعارش، بیشترین کلمات متنوع را به کار برده است.
۲. بیشترین تناسب کلمات حماسی را جبران خلیل جبران در شعرش دارد.
۳. واقعه جنگ به طور کلی شعر را غمگین می‌کند. با این وجود همه شاعران در انتخاب کلمه برای سرودن شعر پایداری، توجه ویژه داشته‌اند؛ اما با توجه به احساسات درونی و موقعیت اجتماعی هر شاعر این توجه و انتخاب کلمه، رنگ‌هایی به خود می‌گیرد. برای مثال جبران خلیل جبران با صراحت تمام در برابر بیگانگان ایستادگی کرده است؛ اما محمود درویش به ناچار مقاومت را پشت پرده‌ای از ایهام و سمبل قرار داده است. ابوطالب مظفری نیز، رنجور و غریب در ایران، شهر و ملت خود را بر باد رفته می‌بیند و از به دست آوردن هویت و ملیت قدرت‌مند گذشته، ناامید است.

### جامعه آماری

جامعه آماری هزار کلمه از اشعار هر یک از این سه شاعر است. بدین توضیح که ابتدا از هر سه شاعر، اشعاری که درباره وطن‌پرستی و مقاومت سروده شده بود، جمع‌آوری شد و از ابتدای هر شعر شروع به شمارش همه کلمات، از جمله: اسم، فعل، حرف اضافه، صفت و... شد، تا هزار کلمه تکمیل شود. هر جا که شعر تمام می‌شد و هنوز هزار کلمه تکمیل نشده بود، کلمات شعر بعدی شاعر شروع به شمارش می‌شد. در زیر اسم اشعار و کتاب هر شاعر به عنوان جامعه آماری نام برده شده است.

ابوطالب مظفری شاعر پایداری افغانستان: هزار کلمه از



اشعار درویش از لحاظ موضوعی به دو بعد معطوف است: اشعار ملی-میهنی و اشعار فردی. در بخش میهنی بیشتر از شعرای سنتی عرب تأثیر پذیرفته و در بخش فردی بیشتر از شعرای آمریکای شمالی و جنوبی به خصوص جبران خلیل جبران متأثر بوده است.

#### محمود درویش (۱۹۴۱-۲۰۰۸م)

محمود درویش شاعر پیشگام و نامی فلسطین که به عنوان نماد شعر مقاومت فلسطین شناخته شده است، در روستای بروه در شرق عکا در منطقه جلیل در فلسطین متولد شد (درویش، ۱۳۸۹: ۱۱). «پس از این که در ۱۹۴۸م، خانه و سرزمینش اشغال شد، دوران کودکی و نوجوانی اش در آوارگی گذشت. در شهرهای عربی روزگار گذرانید و از همان نوجوانی شعر گفتن را آغاز کرد. بارها به زندان افتاد و نخستین دفتر شعرش زمانی چاپ شد که هنوز دانش آموز بود. دوره اول شعرش بازتاب رنج های مردم فلسطین است که همچون مادر و معشوقش آن را می ستایید. او برای ادامه تحصیل به مسکوفرت؛ ولی یک سال بعد به

شعر «رخش غرور» از کتاب «شعر مقاومت افغانستان» و شعر «شکایت نامه» از کتاب «صبح در زنجیر».

محمود درویش شاعر پایداری فلسطین: هزار کلمه از شعرهای «عاشقی از فلسطین، واکنش، نامه ای از تبعید و روسری ها» از کتاب «تپه آویشن».

جبران خلیل جبران شاعر پایداری لبنان: هزار کلمه از شعر «لبنان من، لبنان تو» از کتاب «تپه آویشن».

قبل از شروع آمارگیری و مقایسه این سه شاعر مقاومت، لازم است بیوگرافی هر یک از شعرا به صورت خلاصه ذکر شود. تا در بررسی ها مخاطب خالی الذهن نباشد.



در اکثر آثار خلیل جبران روح عارفانه و رمانتیکی را می بینیم که خدا جو است و در جستجوی حقیقت هستی قدم برمی دارد. او وقتی ضعف انسان‌ها و زشتی و ریاکاری را می بیند، کلامش همراه با اندوه تلخی می شود و نوشته‌هایش رنگ بدبینی می گیرد.

### جبران خلیل جبران (۱۸۸۳-۱۹۳۱ م)

شاعر، نویسنده و نقاش مشهور لبنانی در شهر بَشْری لبنان متولد شد و در نیویورک درگذشت. او در زمینه شعر، داستان و مقاله‌های فلسفی-عرفانی آثار گوناگونی به دو زبان عربی و انگلیسی به رشته تحریر درآورده است. (خلیل جبران، ۱۳۶۴: ۷) جبران در دوازده سالگی با خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت کرد و در بوسطن ساکن شد؛ ولی دو سال بعد به لبنان بازگشت و در مدرسه الحکمه به تحصیل پرداخت و پس از دو سال باز به بوسطن رفت. او بیشتر عمرش را دور از لبنان بود و دورادور اخبار لبنان را مطلع می شد. (همان، ۱۳۸۳: ۵)

### سبک ادبی جبران خلیل جبران

جبران به خاطر سفرهایش به غرب از سبک‌های گوناگون ادبی مطلع شد و هم‌چنین ارتباطی که با ادبیات کلاسیک عرب داشت، باعث شد دست به نوآوری بزند و اشعاری جهانی بسراید (همان، ۱۳۸۰: ۸). در اکثر آثار خلیل جبران روح عارفانه و رمانتیکی را می بینیم که خدا جو است و در جستجوی حقیقت هستی قدم برمی دارد. او وقتی ضعف انسان‌ها و زشتی و ریاکاری را می بیند، کلامش همراه با اندوه تلخی می شود و نوشته‌هایش رنگ بدبینی می گیرد (همان، ۱۳۶۴: ۷).

### سید ابوطالب مظفری (۱۳۴۴ش/۱۹۶۵ م)

«سید ابوطالب مظفری متولد روستای باغچار ارزگان، شاعر و نویسنده

قاهره بازگشت و در سازمان آزادی بخش فلسطین فعالیت کرد.» (رامین، ۱۳۸۹: ۸: ۳۶).

### سبک شعری محمود درویش

«محمود درویش در آغاز و ادامه راه خود از طیفی رنگارنگ از شاعران، از اقالیم و ادواری متفاوت خوشه چینی کرده است» (درویش، ۱۳۸۹: ۱۸). اشعار درویش از لحاظ موضوعی به دو بعد معطوف است: اشعار ملی-میهنی و اشعار فردی. در بخش میهنی بیشتر از شعرای سنتی عرب تأثیر پذیرفته و در بخش فردی بیشتر از شعرای آمریکای شمالی و جنوبی به خصوص جبران خلیل جبران متأثر بوده است؛ اما «آن چه بیش از همه در بلوغ شعری و در نتیجه اعتبار هنری محمود درویش تعیین کننده است، مدرنیسم او است که در حوزه‌های اندیشه، زبان، تخیل و موسیقیا و در شعر جلوه گر است.» (همان: ۱۹). بر اساس بررسی‌ها و تحقیقات ادبی، می توان گفت که «شعر مقاومت فلسطین تا پیش از آغاز انقلاب از شیوه‌های شعری عراق، مصر و لبنان تقلید می کرده است... ولی با به صحنه آمدن محمود درویش و اشعاری به نام پایان شب که توسط وی پس از شکست ۱۹۶۷م، منتشر شد، برگ تازه‌ای از تاریخ شعر مقاومت ورق خورد و محمود درویش به عنوان شاعر درجه یک شعر مقاومت فلسطین شناخته شد.» (صفا تاج، ۱۳۹۰: ۵: ۴۶۹).

افغانستانی، در خانواده فرهیخته زاده شد. پدرش تاریخ‌پژوه، شعرشناس و پدرزرگش نیز سخنوری پرشور بود و دارای دیوانی است که هنوز انتشار نیافته است. وی در افغانستان خواندن و نوشتن آموخت و در سال ۱۳۵۸ ش در پی ورود نظامیان شوروی به خاک افغانستان، با خانواده‌اش رهسپار پاکستان شد؛ اما پس از چندی به ایران کوچید و در مشهد ماندگار شد. در سال ۱۳۶۷ ش به عضویت انجمن شاعران مهاجر افغانستان درآمد و بعدها انجمن انقلاب اسلامی افغانستان را بنیاد کرد. او را یکی از بنیادگذاران شعر مقاومت افغانستان دانسته‌اند. «سوگنامه بلخ» نخستین دفتر شعر وی است که در سال ۱۳۷۲ ش به چاپ رسید. از دیگر آثار وی می‌توان به دفتر دوم شعر مقاومت افغانستان و آخرین نسل اشاره کرد. (انوشه، ۱۳۷۵، جلد ۳: ۹۶۰ و ۹۶۱، نقل به مضمون). مظفری با ناخوشبودی از زندگی‌اش چنین می‌گوید: «از زادگاهم «باغچار» ارزگان، جز کوه‌هایی بلند و زمستان‌هایی بلندتر، چیزی در تیراق کودکی‌ام نمی‌بینم. از شش سال مکتب نیز الفی در جگر ندارم، هر چند خیلی از همصنفانم خون جگر بودند. شعر را مدیون زمزمه‌ها و آوازهای پدرم هستم و شاعری را وامدار سال‌های هجرت و مقاومت» (مظفری، ۱۳۷۲: ۲۶۳).

### سبک ادبی ابوطالب مظفری

ما شاهد تفاوت مضمون در اشعار شعرای ساکن افغانستان و مهاجران افغانستانی هستیم. در بین مهاجران عنصر غربت، دلتنگی و حس وطن‌خواهی تقویت شده است؛ اما شاعران ساکن افغانستان به مسائل روز و دولت توجه بیشتری نشان می‌دهند (پهلوان، ۱۳۷۱: ۱۶، نقل به مضمون). این نکته در اشعار ابوطالب مظفری که در غم غربت از افغانستان در ایران زیسته است، نیز صدق می‌کند. شعر انقلابی افغانستان بیشتر بیانگر آرزوی دست یافتن به وحدت است (همان). نمونه‌ای از شعر مظفری درباره وحدت: «قرار بود بسازیم با هم این جا را» (مظفری، ۱۳۷۲: ۲۷۲). «از خصوصیات شعر مهاجرت می‌توان بیان دردها، رنج‌ها، بی‌وطنی و غریبی دانست.» (پهلوان، ۱۳۷۱: ۲۰) و «از نظر زبانی، تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که جوانان افغانستانی که در ایران رشد کرده‌اند از زبان فارسی ایرانی تأثیر پذیرفته‌اند.» (همان). برای مثال در اشعار ابوطالب مظفری کلماتی مثل سیمرخ، دستان، هفتخوان، پور زال، فرامرز، پشنگ و... وجود دارد که نشان از هم‌زبانی و هم‌ریشگی ایران و افغانستان است. البته «گویش مردم افغانستان، تفاوت‌های اندکی با گویش فارسی زبانان این مرز و بوم دارد. مثلاً ما اسب را اسپ می‌گوییم» (کاظمی، ۱۳۷۱: ۹). نمونه از اشعار ابوطالب مظفری: «و کره اسپ چموش را/ از گله به آخور آورده‌ای» (مظفری، ۱۳۷۲: ۲۷۶).

برای این‌که پژوهش حاضر انتزاعی نباشد، بخشی از شعر هر یک از شعرا در ادامه آورده می‌شود:

### سید ابوطالب مظفری

هنوز تا به غریبی گریستن باقی است  
دل‌م گرفته از این شهر از این شکوه امشب  
مرا بیره به تماشای سنگ و کوه امشب  
دل‌م گرفته دل‌م از ملال آکنده است  
مرا بیره به فرازی که تا ابد زنده است  
دوباره میل تفنگ و دوباره میل کمین  
دوباره میل جهیدن به پشت کوهه زین (مظفری، ۱۳۷۲: ۲۷۳)

### جبران خلیل جبران

آن‌ها شاخه‌های لرزانی هستند که از راست به چپ خم می‌شوند  
روز و شب می‌لرزند و از لرزش خود ناآگاهند  
کشتی بی‌بادبان و بی‌سکانند که موج آن‌ها را به هر سو می‌کشانند  
و ناخدا ناباورانه به آن مقصد زیرزمینی می‌اندیشد که سرشار از  
آدمک‌هاست  
چرا که هر پایتخت اروپایی مگر زیرزمینی از آدمک‌ها نیست،  
(طاهباز، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

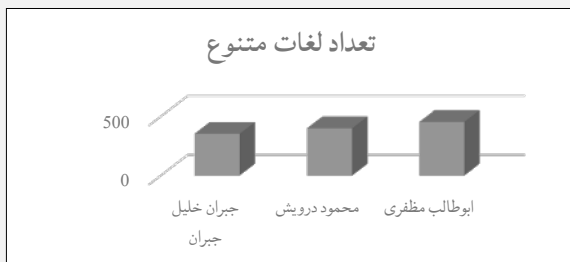
### محمود درویش

توفلسطینی هستی  
وفلسطینی خواهی ماند  
درها را به روی توفان گشودم  
و ماه قهوه‌ای رنگ را دیدم  
به سوی کوچه‌هایی که نور در آن‌ها مرده بود، برگشتم  
دلدار باکره، گندم باوفا  
ما فضا را با سرودهای مان خواهیم شکافت  
و باروری را در بذره‌های خفته خواهیم نشانند، (طاهباز، ۱۳۸۰: ۳۷).

### چگونگی آمارگیری

روش کار برای این که متوجه شویم کدام شاعر واژه‌های غیر تکراری بیشتری به کار برده است چنین است:  
ابتدا جامعه آماری را مشخص می‌کنیم. جانسون سه هزار کلمه از ابتدا، یا یک بخش از شعر را انتخاب کرده است که در این مقاله به بررسی هزار کلمه اکتفا شد. این کار بدین صورت انجام می‌شود که از ابتدای یک شعر، شروع به خواندن کرده و همه کلمات را چه حرف، فعل، صفت، اسم و... باشد (بدون جا انداختن هیچ کلمه‌ای) می‌شماریم.  
در مقاله بوند شهریاری و سیدرضایی که با استفاده از نظریه جانسون کار شده، برای سه هزار واژه جدول‌های ده خانه‌ای ترسیم شده است که در هر خانه از جدول یک کلمه نوشته می‌شود و در کل تعداد سی جدول صد خانه‌ای خواهند داشت. از اولین کلمه شروع به خواندن کرده و با

این نتایج را می‌توان در نمودار میله‌ای زیر مشاهده کرد:



### بررسی کلمات از نظر بار معنایی

«همه انسان‌ها با تولید واژه‌های جدید خلاقیت خود را نشان می‌دهند. در شاعران نیز خلاقیت شالوده تولید واژه‌های جدید به شمار می‌رود» (فالک، ۱۳۷۲: ۶۰). هر واژه جدید بار معنایی خاصی به همراه خواهد داشت. به همین خاطر در این بخش کلمات به کارگرفته شده شاعران از نظر بار معنایی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چراکه «مهم‌ترین بخش زبان که در سبک‌شناسی مورد توجه بوده کلمه است، هم به لحاظ صورت و هم به لحاظ معنی.» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۱۷). معانی که در این مقاله بررسی می‌شود: کمیت و کیفیت کلمات حماسی، کمیت کلمات شاد و غمگین و تطبیق کلمات جغرافیایی با واقعیت جغرافیایی وطن هر شاعر است.

### الف. به کارگیری کلمات حماسی

«می‌توان گفت که همه شاعران «شعر مقاومت» در سرزمین‌های اشغالی، در شعر خود به عنصر ایستادگی اشاره کرده‌اند. این شوق در واقع عشق به زندگی است، هر چند که برای رسیدن به این زندگی باید به خون خود آغشته شد.» (صفاتاج، ۱۳۹۰، ج ۵: ۴۷۱). ما برای این بخش ۴۵ کلمه که مضمون حماسی و استقامت در مقابل بیگانگان دارد را مورد بررسی قرار دادیم:

بخشی از این کلمات چنین است: شهادت، مبارزه، استقامت، آزادی، انقلاب، سرزمین، خون، افتخار، پیروزی، استوار، وطن، نام سرزمین هر شاعر، افغانستان، لبنان و فلسطین، نیاکان، قله، خشم، فتح، زندگی، همت، ساختن، صبح، سحر و... بعد از جستجوی همه این کلمات در اشعار سه شاعر به طور جداگانه و توجه به بسامد هر کلمه، نتایج زیر به دست آمد:

جبران خلیل جبران با به کار بردن ۱۱۱ کلمه که بار معنایی حماسی و مقاومت دارد بیش از دو شاعر دیگر به مفهوم استقامت در مقابل بیگانگان توجه داشته است.

محمود درویش با به کارگیری پنجاوشش کلمه شاعر دوم در انتخاب کلمات میهنی و پایداری محسوب می‌شود.

خواندن همان کلمه برای بار دوم، آن کلمه را خط می‌زنند. یعنی همه دفعاتی که کلمه در خانه‌های بعدی تکرار شده است، خط می‌خورد. با این روش همه کلمات تکراری خط می‌خورد و آنچه باقی می‌ماند فقط کلمات متنوعی است که هیچ تکراری در آن‌ها وجود ندارد.

چون استفاده از تکنولوژی روز، دقت و سرعت در پژوهش را بالا می‌برد. نگارنده مقاله برای انجام آمارگیری از ترسیم جدول‌های دستی اجتناب کرده و از روش جدیدی بهره برده است که در زیر توضیح داده می‌شود:

با استفاده از کامپیوتر و برنامه word می‌توان این آمارگیری را انجام داد. بدین شکل که اول اشعار انتخابی از هر شاعر در wordهای جداگانه تایپ شده و با استفاده از ابزار شمارش تعداد کلمات (navigate) در word به طور دقیق تا سقف هزار کلمه از شعر شمارش می‌شود.

در مرحله بعد با استفاده از ابزار find از ابتدای شعر هر کدام از شاعران، کلمه‌ها جستجو می‌شوند و تعدادشان مشخص می‌شود که چند بار به کار رفته است و با استفاده از کادر find and replace همه کلمات تکراری، به جز اولین باری که ذکر شده‌اند، پاک می‌شوند. این کار را می‌توان با تایپ کلمه مورد نظر در فیلد find what و تایپ دکمه space در فیلد replace with انجام داد. در آخر فقط کلمات بدون تکرار باقی می‌مانند و شمارش می‌شوند. مزیت این روش بر روش سنتی در مقالات گذشته، درصد خطای کمتر و سرعت عمل بیشتر دارد.

برای شمارش واژه نیز قوانین خاصی در نظر گرفته شده که در اشعار هر سه شاعر، این قوانین به طور یک‌نواخت اعمال شده است و در زیر آورده می‌شود:

- افعال مرکب مثل «زخم خوردن» یک کلمه حساب می‌شوند.
- افعال در هر زمان و صیغه‌ای که باشند، نسبت به صیغه دیگری از همان فعل، تکرار حساب شده و حذف می‌شوند. برای مثال فعل‌های «می‌بینیم، دید، دیده‌ام و بین» تکراری هستند.
- وجود نشانه جمع با اسم، باعث متنوع بودنشان نمی‌شود؛ مثلاً درخت و درخت‌ها تکرار به حساب می‌آید.
- کلمات مخفف شده با خود کلمه تکرار به حساب می‌آید؛ مثل: ره و راه که تکراری محسوب شده و خط می‌خورد.

بعد از تایپ هزار کلمه از اشعار شعرای مورد نظر و حذف کلمات تکراری از جامعه آماری مشخص شده و شمارش کلمات باقی مانده، نتایج زیر به دست آمد:

سید ابوطالب مظفری با ۴۵۴ کلمه متنوع بیشترین کلمات غیر تکراری را به کار برده و دایره لغات گسترده‌تری داشته است.

محمود درویش با ۴۰۰ کلمه بدون تکرار دومین شاعر است.

جبران خلیل جبران با ۳۵۳ واژه متنوع سومین شاعر در قدرت به کارگیری کلمات جدید به حساب می‌آید.



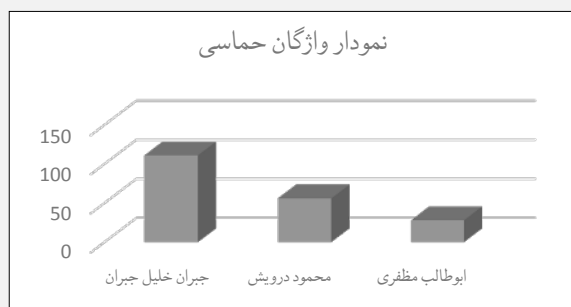
خلیل جبران دور از لبنان با حس وطن طلبی و دلتنگی نسبت به لبنان و حفظ خاطرات شیرینی که در لبنان داشته، به صراحت احساسش را در امنیت جغرافیایی نیویورک، بیان می کند.

کردن فلسطینی ها به ترک وطن است» (صفتاج، ۱۳۹۰، ج ۵: ۴۷۱)، اما درویش کلام را عاشقانه و ایهام دار می کند؛ چرا که امنیت جبران را ندارد و چند بار زندانی شده است و همین طور در دوره ای زندگی می کند که شاعران به بیان احساسات رمانتیک در شعر روی آورده اند. سید ابوطالب مظفری شاعری است که سال ها به هموطنانش در ایران به دید حقارت نگاه شده است. مظفری در غم نابسامانی افغانستان و هم چنین در غم نابسامانی افغانستانی های ساکن ایران، شعرش در عین ظلم ستیزی همراه با ناله و فغان است.

ب. مقایسه بسامد کلمات شاد و غمگین در سه شاعر «کسی که جهان را تیره و تار می بیند با زبانی آن را وصف می کند که رنگ بدبینی و غبار اندوه دارد و از میان انواع مختلف تعبیری و لغاتی که می توان در بیان مفهومی به کار برد، از کلماتی منفی و تاریک استفاده می کند» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۶، نقل به مضمون). هم چنین شاعری که جهان را شاد و آینده را امیدبخش می بیند، در اشعارش از کلمات شاد و مثبت استفاده می کند.

در این مقاله با بررسی و شمارش کلمات منفی و غمگین مثل: تاریک، تیره، سیاه، سوگ، مرگ، سرد، سرما، زمستان، ترس، فتنه، کینه، تزویر، ریو، دیو، بلا، نومیدی، نیرنگ، دروغ، عقده، حقیر، غم، مویه، گریستن، ویرانه، یتیم، ملال، زخم، درد، هذیان، گرسنگی و... در اشعار

سید ابوطالب مظفری با به کارگیری بیست و هشت کلمه حماسی، کمترین رنگ مقاومت را به شعرش داده است. در نمودار میله ای زیر این آمارها نشان داده شده است:



در تحلیل نتایج نمودار باید گفت تاریخ و جغرافیای سرودن شعر، هم چنین موقعیت اجتماعی شاعر، در به کارگیری کلمات تأثیر بسزایی دارد. خلیل جبران دور از لبنان با حس وطن طلبی و دلتنگی نسبت به لبنان و حفظ خاطرات شیرینی که در لبنان داشته، به صراحت احساسش را در امنیت جغرافیایی نیویورک، بیان می کند. محمود درویش هم شوق به ادامه زندگی در وطن دارد «چون همه هدف صهیونیست ها و اداری



هر سه شاعر نتایج زیر به دست آمد:

نکته: به تفاوت ظاهری کلماتی که هم معنی اند، توجه شده است. برای مثال در سنجش دفعات تکرار کلمه «گریه»، همه کلمات «گریه، مویه، گریستن، گریان، صدای حق هق» حساب شده است. ابوطالب مظفری شصت و پنج کلمه منفی و ناامید کننده به کار برده است که بیشتر از دو شاعر دیگر است.

محمود درویش با بیست و نه کلمه غمگین دومین شاعر است. جبران خلیل جبران با بیست و یک واژه غم انگیز، کمتر از دو شاعر دیگر احساس یأس و ناامیدی را بیان کرده است.

هم چنین از بررسی کلمات مثبت مثل: شاد، خندان، افتخار، نور، زندگی، عشق، زیبا، خورشید، درخشش، روز، روشن، آبی، تابش، سبز، آغوش، بوسه، پیروزی و... آمار زیر به دست آمد:

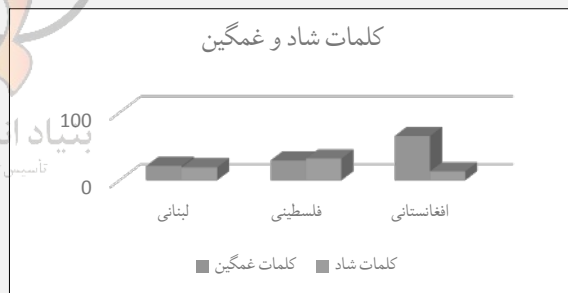
نکته: باید در نظر داشت استقامت و تا پای جان در برابر بیگانگان ایستادگی کردن به واقع نمی تواند کلمات شاد و خوش باشی و جشن را در خود جای دهد، به همین خاطر نگارنده کلماتی که مفهوم امید به آینده و زندگی بدون حقارت را در بر می گرفت نیز به عنوان کلمات شاد به حساب آورد.

محمود درویش با به کارگیری سی و دو واژه شاد. بیش از دو شاعر دیگر، شعرش را همراه با شادی کرده است.

جبران خلیل جبران با نوزده کلمه شاد تا حدی توانسته شادی را در شعرش بگنجاناند.

سید ابوطالب مظفری با سیزده کلمه شاد، بیش از دو شاعر دیگر شعرش غم انگیز است.

در نمودار میله ای زیر هر دو مورد شادی و غم، به صورت ترکیبی مشخص شده است:



همان طور که مشخص است شاعر افغانستانی بیش از همه کلمات غمگین و دل سرد کننده و کمتر از بقیه، کلمات شاد و امیدبخش به کار برده است. علت این ویژگی را می توان در نوع جهان بینی شخصی شاعر و هم چنین در چگونگی حملات بیگانگان و نوع موقعیت زندگی افغانستانی ها در ایران دنبال کرد. از طرفی تکرار کلمات گلوگه، تفنگ،

شلیک، قنداق و...، در اشعار همه شعری که شهر و خانه شان زیر چکمه های بیگانگان لگدمال شده اند، یک واقعیت انکار نشدنی است و نشانگر هرج و مرج در کشورشان.

### ج. بررسی کلمات جغرافیایی و اقلیمی

در این بخش می خواهیم بدانم آیا این سه شاعر حماسی هنوز هم به یاد جغرافیا و اقلیم وطن خود هستند و در اشعارشان به طور ناخداگاه و یا آگاهانه همان جغرافیا را ترسیم کرده اند و یا این که به علت مهاجرت و دوری، کم کم با جغرافیای زندگی جدیدشان خو گرفته و آب و هوای وطن را از یاد برده اند.

با بررسی کلمات بومی و طبیعی که اقلیم یک منطقه را مشخص می کند، مثل وجود کوه ها، دره ها، رودها و یا دریا و اسکله و بادبان ها حدود جغرافیایی و آب و هوای منطقه ذهنی شاعر مشخص می شود.

با بررسی های موشکافانه ای که انجام شد نتایج زیر به دست آمد.

**جغرافیای افغانستان:** «افغانستان نمونه مشخصی از یک کشور کوهستانی است. هر چند که در مناطق جنوب و جنوب غربی، سرزمین های همواری نیز دیده می شود؛ ولی عمده نواحی این کشور، کوهستانی و بیشتر صعب العبور است.» (امیرخانی، ۱۳۸۹: ۲۰). این کشور به دریا و آب های آزاد راه ندارد (همان: ۱۸).

بیشترین کلمات اقلیمی ای که مظفری در شعرش به کار برده است: کوه، دشت، باغ، گل، دره، پلنگ، گوسفند، تور، گرگ، آسمان و درخت است.

**جغرافیای لبنان:** «آب و هوای لبنان به طور کلی مدیترانه ای است. مناطق ساحلی آن آب و هوای نیمه معتدل و مرطوب دارد و مناطق بلند، آب و هوای کوهستانی... و به خاطر فصل های باران خیز، این کشور ساحلی به شمار می رود.» (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۷).

بیشترین کلمات اقلیمی که جبران به کار برده است: موج، سگان، بادبان، باغ، کشتزار، دره، کوه، روستا و قریه، جویبار و غوک است.

**جغرافیای فلسطین:** «از لحاظ طبیعی، خاک فلسطین را به چهار منطقه باید تقسیم کرد: اراضی صاف و هموار، اراضی ساحلی و زمین های آب گرفته و زه آب، اراضی بیابانی و ریگزار و بخش های کوهستانی.» (زعیت، ۱۳۷۳: ۴۳، نقل به مضمون). با توجه به وجود اقلیم های مختلف در فلسطین، تمرکز بیشتر روی محل تولد درویش، منطقه الجلیل و عکا قرار گرفت که می توان گفت منطقه معتدل، حاصل خیز و کمی کوهستانی است.

بیشترین کلمات اقلیمی که درویش به کار برده است، عقاب، باغ، دره، گندم و کشتزار است.

از نتایج این بخش باید گفت هر سه شاعر در هنگام سرودن شعر پایداری و مقاومتی، خود را در وطن شان می بیند؛ زیرا کلمات جغرافیایی که به کار برده اند به نحوی با اقلیم سرزمین مادری شان هماهنگی دارد.

# سنگون - يوماً ما نرويجه لال الرحلة ابتداء

اشعار درویش از لحاظ موضوعی به دو بعد معطوف است: اشعار ملی میهنی و اشعار فردی. در بخش میهنی بیشتر از شعرای سنتی عرب تأثیر پذیرفته و در بخش فردی بیشتر از شعرای آمریکای شمالی و جنوبی به خصوص جبران خلیل جبران متأثر بوده است

## ولا الدرب البسی

### نتیجه گیری

در طول زمان همیشه شاعرانی بوده اند که با سرودن اشعاری مقاومتی، ضمن تشویق مردم به مبارزه، دلیری های ملت شان را نیز ثبت کرده اند. در این مقاله با بررسی جبران خلیل جبران، محمود درویش و ابوطالب مظفری بر اساس نظریه زبان شناسی کیت جانسون نتایج زیر به دست آمد:

۱. مظفری در هزار کلمه، ۴۵۴ کلمه متنوع به کار برده بود که بیشترین تنوع زبانی را در شعرش داشت. محمود درویش چهارصد کلمه و خلیل جبران ۳۵۳ کلمه بی تکرار داشت.

۲. خلیل جبران با ۱۱۱ کلمه حماسی، به بیشترین هماهنگی کلمه و مضمون دست یافته بود. درویش پنجوازش کلمه و مظفری بیست و هشت کلمه مقاومتی و پایداری به کار برده بودند. علل احتمالی این تفاوت کمیتهی چنین است: خلیل جبران به خاطر صراحت بیان و امنیت مکانی، بی پروا به بیگانگان تاخته است و از ملت لبنان حمایت کرده است؛ اما درویش به خاطر جو سیاسی حاکم و زندانی شدن، مقاومت را در پرده ای از ایهام و سمبل فرو برده است. مظفری به خاطر رنجوری از غم غربت و دیدن ضعف و بی دفاعی افغانستانی ها چه در ایران و چه در کابل، ناتوان از بیان شعارهای مقاومتی شده است.

۳. درویش با استفاده از سی و دو کلمه شاد و بیست و نه کلمه غمگین، شادترین شاعر انتخاب شد و جبران با نوزده کلمه شاد و بیست و یک کلمه غمگین در حد متوسط است. مظفری با سیزده کلمه شاد و شصت و پنج کلمه غمگین، غم انگیزترین شعر را سروده است.

۴. هر سه شاعر بعد از سالها دوری از وطن همچنان قلب شان در هوای میهن می تپد و هر سه شاعر هماهنگی بالایی در به کارگیری کلمات جغرافیایی متناسب با اقلیم وطن شان دارند.

ضمن این که مردم افغانستان با سرودن شعر، چه در ایران و چه در افغانستان، در حال باروری و گسترش همین زبانی اند که ما به آن مفتخریم و سعی در بقایش داریم.

### منابع

- امیرخانی، غلامرضا، افغانستان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
  - انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، ج ۳، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
  - پهلوان، چنگیز، نمونه های شعر امروز افغانستان، تهران: نشر بلخ، ۱۳۷۱.
  - خلیل جبران، جبران، پیامبر، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳.
  - حروف آتشین، چاپ دوم، تهران: معین، ۱۳۸۱.
  - حمام روح، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۴.
  - درویش، محمود، اگر باران نیستی نازنین درخت باش، به اهتمام موسی اسوار، تهران: سخن، ۱۳۸۹.
  - رامین، علی، دانشنامه دانش گستر، ج ۸، تهران: مؤسسه دانش گستر روز، ۱۳۸۹.
  - زعیت، اکرم سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
  - شمیسا، سیروس کلیات سبک شناسی، چاپ ششم، تهران: فردوس، ۱۳۸۰.
  - صفاتاج، مجید، دانشنامه فلسطین، جلد اول، چاپ دوم، تهران: آرون، ۱۳۹۰.
  - طاهباز، سیروس تپه آویشن، شعر مقاومت در فلسطین اشغال شده، تهران: فرهنگ گستر، ۱۳۸۰.
  - درباره شعر و شاعری، تهران: دفترهای زمانه، ۱۳۶۸.
  - فالر، راجر، یاکوبسن، رومن و لاج، دیوید زبان شناسی و نقد ادبی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
  - فالک، جولیا اس، زبان شناسی و زبان؛ بررسی مفاهیم بنیادی زبان شناسی، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
  - کاظمی، محمدکاظم، صبح در زنجیر: مجموعه شعر شاعران انقلاب افغانستان، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۱.
  - مظفری، ابوطالب، شعر مقاومت افغانستان (دفتر دوم)، تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۲.
- پایان نامه:
- بوند شهریاری، علی اصغر و سعید رضایی، طاهره، ۱۳۹۳، «مقایسه شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالد فروغ از منظر نظریه جانسون» پژوهش ادبیات معاصر جهان، تهران، ادبیات معاصر.
  - سایت:
  - خبرنگار خبرگزاری فارس [بدون نام]، (۱۳۹۶/۰۲/۱۸) «پژوهش ادبیات معاصر جهان»، [farsnews.com/culture/news](http://farsnews.com/culture/news).